

تبیین برتری رهن به مشارکت و ضرورت بازنگری در عقود مشارکتی بانکها

فرهاد خادمی و جواد واحدی زاده

گروه حقوق و فقه اسلامی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

نویسنده مسئول: فرهاد خادمی

چکیده

تحقیق پیشرو بنا به ضرورت واکاوی مسئله مربوط به عقود مورد استفاده در بانکداری اسلامی و بررسی سطره عقود ضمان دینی علی الخصوص حکومت عقد رهن بر عقود مشارکتی بانکداری اسلامی از جمله مضاربه و مشارکت، بدو با تبیین مفاهیم حقوقی و فقهی هر یک از عقود یاد شده در دایره مشترک مبانی پذیرفته شده در مذاهب اسلامی و بویژه فقه شیعه می‌کوشد تا تأثیرات متقابل و متعارض دو عقد مهم رهن و شرکت را در هنگام تلفیق برای اعطاء تسهیلات بانکی که عمدتاً در مقام تحکیم سلطه بانک بر مشتری است را بیان و با تحلیل یکطرفه و تحمیلی بودن قراردادهای مشارکت و ارائه شروطی از آنها که عقد را غیرواقعی و صوری می‌نمایند، ضرورت بازنگری در ساختار این عقود را برای انطباق بیشتر با آموزه‌های فقهی اثبات، مضافاً اینکه ناعادلانه بودن پیش بینی سود قطعی در بدو انعقاد قرارداد را در این عقود که با تکیه بر ضمانت‌های مأخوزه و اضطراب مشتری در وابستگی به تسهیلات بانکی نهفته است را از خلاءهای بسیار مشهود این عقود که مشروعیت نظام اقتصادی و بانک را نیز خدشه دار می‌کند. تحقیق در پایان و در مقام نتیجه‌گیری با اثبات تمامی ایرادات وار شده به شروط غیرواقعی و خلاف مقتضای عقود اصلی و با پیشنهاد جایگزین مناسب برای هر یک از آنها معرفی و با پیشنهاد الگوهای مناسب از جمله صلوح اجازة، اوراق سهام، اوراق مضاربه و الگوهای صلح و جعاله جانشین می‌باشد، که بیشتر این موارد در کشورهای اسلامی دیگر علاوه بر بهبود فضای کسب و کار، نرخ فزاینده تورم و رکود اقتصادی را نیز بهبود بخشیده است.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، رهن، بانکداری، وثیقه

مقدمه

یکی از بارزترین شاخص‌های اسمی بانکداری بدون ربا استفاده روز افزون از عقود مشارکتی است. در زیر مجموعه این عنوان و به جهت گریز بانک‌ها از حداقل سود متعلقه به عقود مبادله‌ای از تاریخ تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا از نمونه‌ها و فرم‌های متعددی برای انعقاد عقد مشارکت در بانک‌های استفاده شده است و هر یک از بانکها بفرآخور مصالح خود شروطی را در آن گنجانده‌اند که تقریباً همان کارکرد عقود با بازده ثابت دارند. بانکها مدعی هستند که نظارت به نتیجه عملیات گیرنده تسهیلات و احراز و سود و زیان وی در وسعت موجود سیستم بانکی کاری مشکل است به همین جهت با اضافه کردن عقود ضمان، صلح، هبه و بعضی شروط به عقود مشارکتی به نوعی همان ساختار بهره را پیدا می‌کند. بانکها برای اطمینان از کسب سود با تلفیق و ترکیبی از هبه سود مازاد، تضمین زیان توسط مشتری و تخمین حداقل سود توسط مشتری، رقم قابل دریافت از مشتری را به یک رقم ثابت رسانده است به این ترتیب متقاضی دریافت تسهیلات مشارکتی، علاوه بر اصل سرمایه درصد معینی سود را نیز به نفع بانک تضمین می‌کند و در واقع گیرنده تسهیلات مشارکتی نوعی وام با بهره تحت عنوانی دیگر دریافت می‌کند. پس از بخشنامه شماره هب/۱۲۴۹-۱۳۸۳/۸/۱۷ در خصوص انجام برخی از اصلاحات در مشارکتهای مدنی و ادامه ناکارآمدی این عقد در تأمین مبانی قانون عملیات بانکداری بدون ربا بانک مرکزی برابر بخشنامه ۹۲/۲۰۶۵۴۶-۱۳۹۲/۷/۱۱ یکنواخت سازی فرم عقود تسهیلات بانکی از جمله مشارکت مدنی را به تمامی بانکها ابلاغ نمود که باز متاسفانه تمامی شروط و مواد تحت سیطره ماده ۲ آن قرار گرفته که در این نوشته سعی بر آن شده است تعارضات قانونی و حقوقی آن را به رشته تحریر درآوریم.

ماده یک: اخذ ضامن از شریک

- برابر بند ب ماده یک از فرم متحدالشکل مشارکت مدنی ابلاغی اخذ ضامن اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی پیش بینی شده است. صرف نظر از مغایرت این بند با تبصره یک ماده واحده منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی مصوب ۱۳۸۵/۲/۳۱ که اخذ وثیقه خارج از طرح را شریک منتفی دانسته است، شرایط ضامن و محدودیتهای اعمالی بانکها در این خصوص و اینکه فقط از دیدگاه بانکها و موسسات اشخاص معدودی امکان ضمانت تسهیلات را دارند مزید بر علت در شکل گیری اولین مانع تحقق مشارکت واقعی است. شرط ضمانت که در این عقد توسط بانک بر عاملین و یا شرکا تحمیل میشود در واقع مخالف مقتضای عقود مشارکتی است و باعث می‌شود تا ریسک قرارداد به صورت ضالمانه به یک طرف قرارداد تحمیل شود. روح عقد مشارکت به بقای آثار مالکیت برای صاحبان سرمایه است که موجب توزیع عادلانه ریسک و بازده بین طرفین عقد می‌شود. فقدان نظارت صاحبان سرمایه به نحوه به کارگیری اموال و شرط ضمانت مقدار سود معین که از جانب بانک به عامل تحمیل می‌ود باعث تغییر رویکرد قراردادهای مشارکتی به قرض ربوی میشود نیست همه اینها جز به مدد همین ضمانت که در مقام اجرا توسط بانک تعهد عریان عقود، هدف غائی تلقی می‌شود.

مواد ۳ و ۴: هزینه اجرای طرح مشارکت

- این عقد متحدالشکل بانکی در خصوص هزینه اجرای طرح مشارکت و حساب مشترک مشارکت مدنی است. نکته نقد پذیر این مواد این است که ارزیابی طرح توسط بانک و پیش بینی هزینه‌ها به نرخ روز ارزیابی است و در این گونه ارزیابی‌ها، هزینه‌های پیش بینی نشده طرح به عهده شریک گذاشته می‌شود، به عبارت دیگر چون سهم شرکت به درصد کل موضوع مشارکت از ابتدا مشخص است هر آنچه که شریک در طرح سرمایه گذاری کند، حصه بانک بدون تغییر باقی خواهد ماند. مضافاً اینکه سهم شرکت با نظر مستقیم بانک به حساب مشترک واریز و حتی چالش‌های احتمالی در کند کردن روند اجرای طرح آسیبی به حصه و سهم شرکت بانک نخواهد زد. ابهام مواد قید شده فوق نیز با مقتضای، ذات عقد مشارکت منافات دارد. افزون بر آنکه با استنباط از ماده ۵ همین قرارداد شریک می‌بایست تمامی هزینه‌های مقدماتی اعم

از هزینه محل اجرای طرح، آماده سازی محل اجرای و هزار و یک استعلام و مجوز از سازمانها و ادارات مختلف را بگیرد تا بانک را قانع کند که طرح وی قابلیت توجیه فنی و اقتصادی را دارد. بیشتر مجریان طرح عمده آورده خود را تا این مرحله هزینه کرده و در ادامه اجرا در صورت عدم همراهی بانک با مشکل مواجه شده و بعضا طرح و اجرای آن عقیم می ماند.

موارد ۶ تا ۱۱: لزوم به جای جواز

- ماده ۶ قرارداد مورد بحث که مورد نقد بسیاری از اساتید دانشگاه و حوزه قرار گرفته، لازم کردن عقد جایز است. در این ماده بانک شرط می کند که شریک حق رجوع و فسخ قرارداد را از خود سلب و ساقط نمود و بانک برچه مبنایی حق فسخ یک طرفه را برای خود محفوظ و از شریک ساقط می کند مصداقی بارزی از شروط تحمیلی قراردادهای بانکی است.
- در ادامه قرارداد اداره امور شرکت مدنی به مجری طرح به صورت تبرعی واگذار ولی احراز قصور شریک در مدیریت بنا به تشخیص بانک بوده و حتی رجوع از اذن بانک و تکلیف سهم الشرکه نقدی و غیرنقدی مشخص نشده است. در این ماده بانک هزینه های تکمیل پروژه را به عنوان سهم الشرکه افزایش یافته تلقی، در حالی که در ماده ۸ دقیقا برعکس این مسأله را به ضرر شریک و به نفع خود تبیین می کند (موضوع ماده ۵۷۷ قانون مدنی) ضمیمه کردن عقد صلح به شق آخر این ماده مصداق بارز قرض ربوی است چونکه مشارکت منعقدہ علی الوصول، از قالب حقوقی آن خارج و یک طرف متقبل همه ضرر و زیان و هزینه های اضافی شده و طرف دیگر همواره به دنبال سود است.
- حسب ماده ۹ این عقد حقوق موضوع مواد ۵۸۳ و ۵۸۹ قانون مدنی نیز به نوعی نادیده گرفته می شود. با عنایت به اینکه بر اساس قانون فروش املاک مشاع به هرحال حتی در صورت فروش مال مشاع مورد مشارکت بانک بر حقوق خود و حتی قبل از تحمل ضرر و زیان معوق شدن مطالبات آن خواهد رسید ولی این حق را نیز شریک ضمن عقد از خود سلب و ساقط می نماید.
- شاید بحث برانگیزترین ماده گنجانده شده در این عقد ماده ۱۱ باشد و در این ماده التزام شریک به تأمین سود مورد نظر بانک از اموال خود (و نه از اموال مشارکت) به وی تملیک نماید آمده است تحمیل ضرر از سوی بانک به شریک و تسری تأمین سود دوران مشارکت و دوران فروش سهم الشرکه بانک به شریک به تمامی اموال وی مترادف ضمیمه کردن تمامی اموال شریک به تعهد بازپرداخت اموال مورد مشارکت و به نوعی نقض قسمت اخیر ماده ۵۷۵ قانون مدنی است.

ماده ۱۲ و تعارض آن با ماده ۸

- ماده ۱۲ قرارداد اعلامی بانک مرکزی به نوعی در تعارض با ماده ۸ می باشد. چراکه در ماده ۱۲ قرارداد مشارکت وضع تمامی هزینه های مشارکت پیش بینی شده است. و یا اینکه آیا افزایش هزینه های مصالح و مواد که در طرح پیش بینی نشده و بر اساس نرخ تورم به طرح تحمیل شده است شامل می شود یا نه سوالی است که ماده ۱۲ در پاسخ به آن ابهام دارد. همچنین پایان مدت قرارداد مشارکت الزاما نمی تواند بیانگر بهره برداری و سود آوری طرح باشد. به عنوان مثال مشارکت بانک با شریک در احداث و تکمیل یک واحد پرورش گاو گوشتی می باشد و تکمیل طرح (ساختمان، تأسیسات، ماشین آلات و ...) بدون آنکه سرمایه در گردش برای خرید دام و علوفه و دارو توسط بانک در نظر گرفته نشده و به طرح تزریق نشود نمی تواند بیانگر پایان مدت مشارکت باشد. شاید جالب توجه این باشد که وقتی شریک نمی تواند کوچکترین تصرفی در مشارکت را با استفاده از اذن داده شده در مدیریت اعمال کند چگونه بانک فروش مشارکت را پیش بینی کند (در قسمت ثانیا ماده ۱۲ عنوان شده است که در صورتی که موضوع مشارکت به فروش نرفته باشد) سوالی که مطرح است اینکه فروش موضوع مشارکت پس از پایان مدت به چه نحوی در نظر بانک و قرارداد قابل تصور است.

ماده ۱۳ و الزام شریک به خرید سهم شرکت بانک

- در ماده ۱۳ این عقد تعهدات شریک به صورت کاملاً یک طرفه پیش بینی شده است. در وهله اول شریک مکلف است بلافاصله پس از پایان مشارکت حصه بانک را به مبلغ اصل سهم شرکت سود و سایر هزینه ها خریداری نماید و یا آن را به شخص ثالث بفروشد. البته فروش به ثالث با توجه به تعهد شریک در عدم امکان انجام معامله نسبت به موضوع مشارکت در مواد قبلی آمده است صرفاً در مقام پر کردن سطور قرارداد است چراکه بانکها معمولاً در زمان مداخله ثالث جهت حضور در ادامه تعیین تکلیف اموال مشارکت از دادن وثایق شریک اولیه طفره رفته و یا اصلاً تمایلی به این امر نشان نمی‌دهند. در بند ۱۳-۳ تعلق جریمه به شریک در صورت تخلف از موارد قرارداد پیش بینی شده است و یا اینکه تخلف شریک موجب فسخ قرارداد است و یا پس از رفع تخلف و توافق بر سر آن ادامه قرارداد قابل تصور است یا نه، موضوعی است که دکتربین بهداشت قضایی در ارتباط با آن موضع سکوت را اختیار نموده و با تکیه بر ماده ۷ قانون تسهیل اعطاء تسهیلات بانکی در هر حال برگ برنده را به نام بانک ثبت می‌کند. عقد در بند ۱۳-۴ خود به استناد آیین نامه مطالبات ۱۵۳۹۴۵-ت ۴۱۴۹۸ مورخ ۱۳۸۸/۸/۳ نحوه محاسبه وجه التزام تأخیر دین را از تاریخ سررسید لغایت تسویه کامل اعلام نموده است ولی آنچه قابل تأمل است اینکه قبل از ابلاغ این عقد متحدالشکل در مورخه ۱۳۹۲/۷/۱۱ هیئت محترم وزیران بر اساس مصوبه ۱۱۸۳۲۲-۴۹۵۱۵ مورخه ۱۳۹۲/۶/۲۱ لزوم بازنگری در این آیین نامه را با رویکرد مساعدت به بنگاههای اقتصادی که طی سالیان اخیر بنا به دلایلی خارج از اراده شان موفق به ایفاء تعهدات نشده اند مد نظر داشته و آیین نامه اخیرالصوب جلسه ۱۲۰۶ شورای پول و اعتبار (۱۳۹۴/۶/۱۰) در راستای رفع ایرادات آیین نامه قبلی در این مواد این عقد به هیچ وجه قابل دسترسی نیست.

موارد ۱۴ تا ۲۴: مطالبه دین واحد از چند منشاء متفاوت

- ماده ۱۴ حکایت از حال کردن کلیه دیون توسط بانک ظرف دو ماه از سررسید تسهیلات است و ضامنین نیز مستثنی از این امر نبوده و برابر تبصره ۲ ماده ۱۶ صرف ارسال سه اخطاریه بلافاصله ۱۰ روزه اجرایی نموده است. حال اگر ضامنین از اخطاریه‌های ارسالی مطلع نشده و یا به آنها ابلاغ به نحو صحیح صورت نگرفته باشد توجیه عملکرد بانک در برداشت از حساب آنها چگونه خواهد بود در قرارداد بی جواب مانده است چراکه قرارداد صرفاً ناظر به ارسال اخطاریه است و ابلاغ آن مدنظر نمی‌باشد.
- در ماده ۱۹ این قرارداد یکی دیگر از اصول خلاف شرع به رشته تحریر در آمده است. این ماده به نوعی تجویز مطالبه دین و واحد از چندین منشاء متفاوت است به عبارت دیگر بانک اعلام می‌کند علاوه بر قرارداد رسمی لازم الاجرا می‌تواند نسبت به وثیقه غیر منقول و هر گونه تعهد مأخوذه از ضامنین همزمان اقدام نماید و با عنایت به اینکه مرجع اجرایی هر یک از این وثایق جدای از هم است بالتبع در صورت اقدام قانونی توسط بانک شریک باید علاوه بر تأمین هزینه‌های قانونی بانک، هزینه‌های دادرسی اثبات ارتباط آنها را با هم نیز تقبل نماید.
- در ماده ۲۰ عقد مشخصات وثایق و به عبارت دیگر اخذ وثیقه پیش بینی شده است. با عنایت به اینکه شریک مکلف به توثیق وثیقه‌ای جز محل اجرای طرح نیست، اما بانک مرکزی دست بانک‌های را در اخذ هر گونه وثیقه‌ای غیر از محل اجرای طرح باز گذاشته است. و اگر این وثایق اسناد تجاری تعهد اور باشد بانک‌ها از قید آن در این قسمت از سند خودداری می‌کنند چراکه در زمان صدور اجرائیه نسبت به سند رسمی لازم الاجرا مکلف به ارائه اصول سفته‌ها و یا هر سند تجاری دیگری به واحد اجرا می‌باشند.

- ماده ۲۴ قرارداد حاضر نیز به نوعی در تعارض با بخشنامه شماره ۹۱۷۲۸-۹۱-۱۳۹۱/۱۱/۱۴ بانک مرکزی که اخذ هر گونه وکالت را از گیرندگان تسهیلات ممنوع اعلام نموده است می‌باشد و قرارداد به نوعی اخذ وکالت نامه را از گیرنده تسهیلات گیرنده را مجدداً تجویز می‌کند.

نتیجه گیری:

قراردادهای مشارکت در زمره مهم‌ترین قراردادی بانکداری اسلامی بوده و وجه مشترک این قراردادها آنست که بانک با گیرنده تسهیلات در یک فعالیت تولیدی یا تجاری شریک می‌شوند و در صورت سود دهی این سود میان بانک و دریافت کننده تسهیلات تقسیم می‌شود بنابراین در صورتی این دسته از قراردادها با مقررات قانون مدنی و مسلمات فقهی هماهنگ خواهد بود که:

اولاً: هیچ گونه توافق قبلی به مبلغ یا درصد معینی به عنوان سود وجود نداشته باشد زیرا تا زمانی که شرکت یا فعالیت تولیدی به مرحله سود دهی نرسیده است در واقع سودی وجود ندارد که بین طرفین تقسیم می‌شود و یا توافق به تقسیم آن صورت گیرد ولی عملاً در قراردادهای مشارکت و از هر نوع آن هم سود از قبل پیش بینی می‌شود و هم در قالب عقود رهنی جرایم تأخیر تادیه که به نرخ سود اضافه شده است اخذ می‌گردد.

بدیهی است که اگر مشتری یا مدیون بتواند ثابت نماید که مشارکت واقعی بوده است چون در قراردادهای منعقد بصورت جداگانه، لزوم شرایط عقد بنا به مقتضای ذات عقد رهنی بر رهن بار می‌شود. بنابراین بانک با فراغ خاطر تمام، دل به شروط عقد مشارکت نبسته و با توجه به پشت گرمی به محاکم قضایی و مراجع ثبتی در هر حال تعهدات خود را فارغ از ایرادات حقوقی همچون مستثنیات دین و ... مطالبه و اخذ می‌کند.

ثانیاً: صاحبی سرمایه یا تسهیلات نمی‌تواند از دریافتی کننده‌ی تسهیلات تضمین بخواهد زیرا دو طرف در یک فعالیت یا موسسه شریک می‌شوند و در خواست تضمین از شریک با هیچ یک از قواعد حاکم بر شرکت مدنی یا تجاری انطباق ندارد^۲ و بانک‌ها بخاطر فرار از همین مقوله مشارکت را در قراردادی جداگانه منعقد و عقد رهن را در قراردادی دیگر اخذ و منعقد می‌نمایند و با عنایت به اینکه در هیچ یک از قراردادها به لاینفک نبودن این عقود از هم اشاره نشده بانک با تحمیل شروطی، همچنین عدم پذیرش هزینه‌های اضافی از محل افزایش مصالح و وسایل و عدم تقبل هر گونه زیان، جهت عقد را نامشروع و بالتبع عقدی که جهت آن نامشروع است باطل است (ماده ۲۱۷ قانون مدنی).

در تایید موارد فوق تبصره یک قانون (ماده واحده) منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصادی مصوب ۸۵/۲/۳۱ مقرر می‌دارد «در باره‌ی عقود با بازدهی متغییر بانک‌ها مکلفند بدون تعیین نرخ سود مورد انتظار در حاصل فعالیت اقتصادی مورد قرار داد شریک شوند، در عقود امور مشارکت برای تولید، مذکور در تبصره بند بدهکار ماده ۳ قانون بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ بانک نمی‌تواند از شریک وثیقه خارج از طرح بخواهد»

در بررسی قراردادها و آنچه به عینه مشاهده می‌شود که بانک سود دلخواه خود را که از حداکثر مقرر از سوی بانکداری اسلامی مرکزی کمتر است در قالب «سود مورد انتظار» در قرارداد قید می‌کند و در رویه بانکی عملاً تفاوتی میان «وثیقه مطلق» و «وثیقه مربوط به طرح» وجود ندارد.^۳

۲. السان، مصطفی، حقوق بانکی - جهت دیدن نظر مخالف به کتاب حقوق بانکی علیرضا مسعودی مراجعه شود.

۳. السان، مصطفی، حقوق بانکی ص ۱۱۹

ثانیاً حتی اگر شرط نشده باشد در صورت بروز خسارت، صاحب سرمایه یا تسهیلات به عنوان شریک مسئولیت دارد و ممکن است سرمایه خود را از دست بدهد و این امر یکی از مقتضیات عقود مشارکتی محسوب می شود.

برای تامین منافع بانک در قراردادهای مشارکت از یک طرف بانک باید کارشناسان خبره ای در حوزه ها و فعالیت های مختلف داشته باشد، از طرف دیگر بانک حق دارد به طور مستمر آنرا مورد نظارت و بازرسی قرار دهد. جهت سهولت این موضوع شرط یاد شده به عنوان یکی از شروط عقد مشارکت پیش بینی شده است.

رابعاً: بلا استثناء و بطور مطلق شرطی در تمامی عقود مشارکتی بشرح ذیل گنجانده می شود « بنا به مقتضای عقد مشارکت و با عقد و امضاء این قرار داد مالکیت مشاعی بانک به نسبت معینه مذکور در ماده ... قرارداد نسبت به اموال غیر نقدی مشارکت (آورده ی غیر نقدی شریک) استقرار یافت و به همین ترتیب کلیه اموال و دارایی شرکت که در آنچه ایجاد و یا تحصیل گردد به نسبت سهم الشرکه مشاعاً متعلق به بانک خواهد بود و شریک ضمن اقرار به مالکیت مشاعی بانک در اموال و دارایی فعلی و آتی مورد مشارکت و ضمن عقد خارج لازم متعهد گردید تا زمانی که این قرارداد بقوت خود باقی است هیچ گونه حقی از حقوق خود را در اموال مورد مشارکت جزئاً یا کلاً یا عیناً یا منفقماً به هر صورت از معاملات قطعی و رهنی و شرطی و تضمینی و توثیق اصل و یا مازاد و یا صلح حقوق و وکالت و اجاره به دیگری واگذار ننماید، و در ماده دیگر همین قرارداد عنوان می شود، ضمن عقد خارج لازم به منظور تضمین حسن انجام تعهدات شریک طبق این قرار داد شش دانگی اعیانی تحت شرایط زیر وثیقه بانک قرار گرفت.

حال با عنایت به اینکه محل اجرای طرح به میزان مالکیت مشاعی نه و کلاً به وثیقه گرفته می شود و از طرفی رهن نیز قابل تجزیه نیست و همچنین هر گونه دخالت شریک را در اموال مشاعی خود ساقط می کند و تمامی اعیانی احداثی بر روی آن نیز در وثیقه قرار می گیرد چگونه می توان به واقعی بودن این مشارکت در قالب بدون ربا استناد کرد و در حالی که همه جوانب آن در سیطره رهن قرار می گیرد.

نکته قابل توجه دیگری که در این فصل باید بدان اشاره کرد این است که تفاوت میان ماده ۵۷۱ قانون مدنی و ماده ۱۸ آیین نامه تسهیلات از آن جهت است که آیین نامه «به منظور انتفاع» را به عبارت قانون مدنی افزوده است و بطور خلاصه باید توضیح داد که آیین نامه از قید، مدنی، برای مشارکت گریزی برای مقررات قانون تجارت بوده است چرا که تدوین کنندگان قانون عملیات بانکی بدون ربا بخوبی براین امر واقف بودند که شرکت تجاری تشریفات خاصی برای تاسیس و ثبت دارد [موضوع ماده ۲۲۰ قانون تجارت] و بانکها برای گریز از موضوع ماده ۲۲۰ قانون تجارت و ماده ۵۷۵ قانون مدنی ربا با انعقاد عقد رهن حاشیه امنیتی مطمئنی برای عقود باصطلاح بدون ربای خود تامین می نمایند.

منابع مورد استفاده

۱. السان، مصطفی، حقوق بانکی، نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها. مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی. چاپ دوم ۱۳۹۱.
۲. شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۳. صدر، محمدباقر، بانک بدون ربا، نشر فرهنگ سبز، چاپ اول سال ۸۹. ترجمه مرتضی زنجانی.
۴. علوی، سید یحی، بانکداری بدون ربا، نشر دانشگاه امام صادق. چاپ اول، سال ۸۸.

۵. کاهه، مهدی - حسینی تبار، حسین. بهداشت قضایی در ارتباط با بانکها، نشر معاونت برنامه ریزی و توسعه قضایی دادگستری کل استان قم. چاپ اول سال ۸۷.
۶. مسعودی، علیرضا. حقوق بانکی. نشر تهران پیشرو، چاپ اول سال ۸۷.
۷. موسویان، سید عباس. بانکداری اسلامی. تهران. موسسه تحقیقات پولی و بانکی.
۸. والی نژاد مرتضی بخشنامه های حوزه نظارت نشر پژوهشکده پولی و بانکی بهار ۱۳۹۲.

سایت‌ها:

۱. سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: <http://www.cbi.ir>
۲. سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ایران: <http://rc.majlis.ir/fa/law>